

مأمّن تروریست ها زیر تیغ ارتش قرار گرفت

## نبرد سوریه در راندهای پایانی

نبرد سوریه با پیروزی کلیدی ارتش در «خان شیخون» و پیشروی به سمت آخرین مأمّن امن تروریست ها در ادلب، به راندهای واپسین خود نزدیک می شود.

به گزارش گروه بین الملل ایسکانیوز، معجزه، شاید نتوان هیچ کلمه ای بهتر از معجزه را برای توصیف و نگارش غائله سوریه پیدا کرد زیرا این قضیه آنچنان عجیب و در عین حال غریب است که تنها می توان با این شاه کلید آن را توصیف کرد. کمی به عقب بازگردیم تا درک بهتری از چرایی استفاده این مفهوم داشته باشیم.

بخش اعظم سوریه به کنترل تروریست ها درآمده بود. آنان حتی در محیط امن لاذقیه، شاهراه استراتژیک حما و حمص، حومه دمشق و جنوب سوریه از درعا تا قنیطره نفوذ کرده بودند و رویای تسخیر پایتخت را در سر می پروراندند. پیش بینی ها از سلطه تروریسم بر بلاد شام حکایت داشت.

با این حال و در آن شرایط بشار اسد که به حمایت بی دریغ مردم و همکاری متحدانش متکی بود اعلام کرد تا آزادی آخرین وجب از خاک سوریه مصمم به مبارزه با تروریست ها هستیم. اکنون در کمال تعجب و چیزی شبیه به معجزه، ورق بازی بازگشته، ارتش بخش اعظم کشور را کنترل کرده و با تصرف خان شیخون، آخرین مامن تروریست ها یعنی ادلب را تهدید می کند.

توازن، شکست

پس از پاکسازی شرق و جنوب سوریه از تروریست ها و ایمن سازی کامل دمشق، بسیاری از کارشناسان مسائل سوریه و متخصصان عرصه استراتژی براین باور بودند که توازن در جنگ سوریه پدید آمده و دیگر نه دولت توان پیشروی بیشتر در حومه حما، لاذقیه و ادلب را دارد و نه تروریست ها می توانند به عقب بازگردند و دوباره سیطره خود را بر بخش های بزرگی از کشور اعمال کنند.

حملات تدریجی و در عین حال شدید هوایی و بعضا زمینی ارتش سوریه به مواضع تروریست ها در حما و جنوب ادلب و عدم پیشروی آنان این گذاره را به شدت تقویت کرد. اما از چند روز پیش معادله فوق الذکر تغییر و ارتش سوریه با حمله سنگین به قلب تروریست ها، بزرگترین شهر جنوب استان ادلب یعنی خان شیخون را کنترل کرد.

اما در اینجا یک پرسش جدی ذهن نگارنده را به خود مشغول می کند. چرا پس از چهار ماه نبرد و بدون پیشروی چندانی ارتش سوریه به این پیروزی کلیدی دست یافت؟

به نظر می‌رسد ارتش سوریه، استراتژیست‌های قهاری در اختیار دارد که این چنین پازل پیچیده نبرد را کدگشایی کرده‌اند.

ادلب از سال ۲۰۱۴ در اختیار تروریست‌ها بوده بنابراین برای تحکیم مواضع خود زمان کافی در اختیار داشته‌اند. اگر ارتش سوریه بلافاصله و از همان چهار ماه پیش به رویارویی با تروریست‌ها می‌پرداخت، قطع به یقین با تلفات بزرگ مادی و انسانی و پیشروی نه چندان محسوس روبرو می‌شود.

باید چاره‌ای اندیشیده می‌شد تا بدون تلفات آنچنانی، راه ورود به عمق استان ادلب هموار می‌شد. به بیان بهتر ارتش سوریه از چهار ماه پیش و براساس اطلاعات دقیق و حساب شده به انهدام کانون‌های لجستیکی، درمانی، خدماتی و پشتیبانی تروریست‌ها در عمق این منطقه پرداخت و از رویارویی جدی با تروریست‌ها اجتناب کرد.

هنگامی که برآوردهای اطلاعاتی نشان داد که تروریست‌ها در نتیجه ماه‌ها بمباران روحیه و تمامی تدارکات و امکانات خود را از دست داده‌اند فرمان حمله بزرگ صادر شد. نیروهای ارتش از دو جهت غربی و شمالی، وارد شهر شدند و تروریست‌ها مجبور به عقب‌نشینی شدند. در همین حال ارتش در شمال استان حما مناطق کفرزیتا، لطامنه و مورک و دو روستای لحایا و لطمین نیز را به کنترل خود درآورد.

شروع راندهای پایانی

اکنون سوریه به طور همزمان دست به گریبان بحران شمال غرب یعنی بحران مناطق تحت کنترل تروریست‌ها در ادلب و بحران شمال شرق یعنی مناطق تحت کنترل آمریکا است. با عطف به راهبرد کلان بشار اسد، به نظر می‌رسد با آزادسازی خان شیخون شمارش معکوس برای حل و فصل نهایی این دو مساله آغاز شده است.

اما آیا گام جدیدی از تغییر معادلات سوریه با آزادسازی جنوب ادلب برداشته شده است؟ برای تشریح دقیق‌تر این مساله و تبیین جامع‌تر آن، دیدگاه یک کارشناس مسائل خاورمیانه را جویا شدیم.

به طور کلی سه مساله عمده برای دولت سوریه و محور مقاومت اولویت دارد؛ نخست پاکسازی مناطق استراتژیک شمال غرب سوریه، سپس وادار کردن ارتش ترکیه به خروج از ادلب و آنگاه پایان دادن به حضور غیرم مشروع آمریکا در شرق فرات. کنترل شهر استراتژیک خان شیخون که اتوبان بین المللی دمشق-حلب را به ادلب وصل می‌کند نقطه سرآغاز این برنامه سه مرحله‌ای است. این بخشی از سخنان سید حسن هانی زاده بود.

هانی زاده براین باور است فصل جدیدی از بحران داخلی سوریه آغاز شده است و پس از آزادی خان شیخون این احتمال به وجود آمده است که دولت سوریه تا قبل از فرا رسیدن فصل سرما قصد دارد کل استان ادلب را آزاد کند. گزارش‌هایی نیز نشان می‌دهد ارتش ترکیه در این استان به حالت آماده باش درآمده است و همین مساله، فرضیه فوق‌الذکر را تقویت می‌کند.

هانی زاده معتقد است ارتش ابتدا می خواهد مرزهای شمال غربی با ترکیه را کنترل و ایمن سازد. پس از آن آمریکایی ها در شمال شرق سوریه یا باید به مطالبه مشروع دولت قانونی دمشق گردن نهند یا اینکه با ائتلاف گسترده ای با مشارکت ارتش سوریه، حزب الله لبنان، حشد الشعبی عراق، جمهوری اسلامی ایران و روسیه روبرو گردد.

سخن آخر

اگرچه در نگاه اول پایان دادن به اشغالگری نظامی دو کشور خارجی و حضور تروریست های چند ملیتی برای دولت سوریه دشوار به نظر می رسد اما با نگاهی به گذشته دشوار و کارت های قدرتمند امروز دمشق، این مساله چندان سخت هم نخواهد بود.

نخست برخلاف سال های گذشته دیگر تهدیدات امنیتی ساختار قدرت در پایتخت سوریه و مناطق استراتژیک اطراف آن را تهدید نمی کنند و دولت با فراغ بال می تواند تروریست ها را در حاشیه کشور مورد تعقیب قرار دهد.

به طور همزمان تروریست ها روحیه، انضباط سازمانی، توانایی جنگی، پتانسیل های عملیاتی ... خود را از دست داده اند و همزمان عکس این قضیه برای ارتش سوریه نیز صادق است. بنابراین در هر نبردی ارتش سوریه دست برتر را خواهد داشت.

حامیان منطقه ای و بین المللی تروریست ها نیز هماهنگی و همسویی خود را از دست داده اند و هر کدام با دستور کار خاصی تنها به دنبال تحقق رویاهای خود با هزینه مردم سوریه هستند.

در پایان نیز دولت های ترکیه و آمریکا استدلال قابل قبول و محکمه پسندی برای ادامه حضور در سوریه ندارند. همچنین اگر پرونده تروریست ها در ادلب پیچیده شود قطع به یقین توازن نظامی نیز به حدی تغییری خواهد کرد که در ابتدا ترکیه و پس از آن آمریکا نمی توانند همچنان حضور نظامی خود را به دمشق دیکته کنند بنابراین پایان حضور نظامی این دو کشور یک امر محتوم است که هنوز زمان دقیق آن مشخص نیست.